

Examining the Effects of Government Policies on Entrepreneurship: Evidence from Selected Developing Countries

Mehdi Rezaee¹ | Bagher Adabi Firouzjaee² | Mohsen Mohammadi Khyareh³

¹. MA in Entrepreneurship Management, Faculty of Humanities and Physical Education, Gonbad Kavous University, Gonbad Kavous, Iran. Email: mehdirezaei9426@gmail.com

². Assistant Professor in Economics, Faculty of Humanities and Physical Education, Gonbad Kavous University, Gonbad Kavous, Iran (Corresponding Author), Email: b.adabi@gonbad.ac.ir

³. Associated Professor in Economics, Faculty of Humanities and Physical Education, Gonbad Kavous University, Gonbad Kavous, Iran. Email: M.mohamadi@gonbad.ac.ir

Article Info.	ABSTRACT
Article type: Research Article	In economic analyses, the confirmed fact is that the policy framework of new and entrepreneurial businesses is different from traditional ones. So, these types of activities require business environment support in addition to conventional public policies. Therefore, using the theoretical model of Acs and Szerb (2007), the main objective of this study is to examine the impact of various government policies (international, fiscal and business environment) on the development of entrepreneurship in selected developing countries based on the World Bank classification, including Iran, in the period 2008-2022, using the panel data method. The research findings for the selected sample indicate that conventional government policies in the international field (foreign trade and foreign direct investment) and in the area of public spending do not have a significant effect on entrepreneurship. However, government expenditures on education and tax policy have a significant effect on entrepreneurship. Most importantly, business environment policies and laws, such as reduction of costs of starting a business, improving labor market efficiency, and promoting property rights, are effective factors in the development of entrepreneurship in developing countries.
Article history: Received: 05-07-2025 Received in revised: 22-08-2025 Accepted: 14-10-2025 Published Online: 21-10-2025	
Keywords: Entrepreneurship, Government Policy, Panel Data, Developing Countries.	
JEL: C23, L26, O38.	

Cite this article: Rezaee, M., Adabi Firouzjaee, B., & Mohammadi Khyareh, M. (2025). Examining the Effects of Government Policies on Entrepreneurship: Evidence from Selected Developing Countries. *Journal of Economics and Modelling*, 15(4), 107-140. DOI: 10.48308/JEM.2025.240572.1996



© The Author(s).

Publisher: Shahid Beheshti University Press

بررسی آثار سیاست‌های دولت بر کارآفرینی: شواهدی از

کشورهای منتخب در حال توسعه

مهدی رضایی^۱ | باقر ادبی فیروزجانی^{۲*} | محسن محمدی خیاره^۳

^۱ کارشناس ارشد مدیریت کارآفرینی گروه علوم اداری و اقتصاد دانشکده علوم انسانی و علوم ورزشی، دانشگاه گنبد کاووس، گنبد کاووس، ایران، رایانامه: mehdireezaei9426@gmail.com

^۲ استادیار گروه علوم اداری و اقتصاد دانشکده علوم انسانی و علوم ورزشی دانشگاه گنبد کاووس، گنبد کاووس، ایران، رایانامه: b.adabi@gonbad.ac.ir

^۳ دانشیار گروه علوم اداری و اقتصاد دانشکده علوم انسانی و علوم ورزشی دانشگاه گنبد کاووس، ایران، رایانامه: M.mohamadi@gonbad.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	در تحلیل‌های اقتصادی واقعیت پذیرفته شده آن است که چارچوب سیاستی برای کسب و کارهای جدید و کارآفرینانه متمایز از کسب و کارهای سنتی است، به طوری که علاوه بر سیاست‌های مرسوم دولت، نیازمند سیاست‌های مستقیم دولت در حوزه محیط کارآفرینی است. از این رو هدف اصلی این مطالعه بررسی نقش سیاست‌های مختلف دولت (بین المللی، بودجه‌ای و محیط کسب و کار) بر توسعه کارآفرینی در کشورهای منتخب در حال توسعه بر اساس طبقه‌بندی بانک جهانی شامل ایران در دوره زمانی ۱۴۰۱-۱۳۸۷ با استفاده از روش داده‌های تابلویی است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که سیاست‌های مرسوم دولت در حوزه بین‌الملل (تجارت خارجی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی) و نیز در حوزه مخارج عمومی تأثیر معناداری بر کارآفرینی ندارد. با این حال سیاست مالی دولت در ارتباط با مخارج آموزش و مالیات دارای تأثیر معنادار بر کارآفرینی بوده است. مهم‌تر از همه، سیاست‌های محیط کسب و کار و قوانین مربوط به آن نظیر کاهش هزینه‌های ایجاد کسب و کار، بهبود کارایی بازار کار و ارتقای حقوق مالکیت عامل موثر در توسعه کارآفرینی در کشورهای در حال توسعه است.
واژه‌های کلیدی: کارآفرینی، سیاست دولت، داده‌های تابلویی، کشورهای در حال توسعه.	
طبقه‌بندی JEL: O38, L26, C23.	

استناد: رضایی، مهدی؛ ادبی فیروزجانی، باقر و محمدی خیاره، محسن (۱۴۰۳). بررسی آثار سیاست‌های دولت بر کارآفرینی: شواهدی از کشورهای منتخب در حال توسعه. اقتصاد و الگوسازی، ۱۵(۴).
DOI: 10.48308/JEM.2025.240572.1996. ۱۴۰-۱۰۷



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه شهید بهشتی.

۱. مقدمه

فعالیت کارآفرینانه باعث افزایش تولید ثروت اقتصادی یک جامعه و ارتقای رفاه اجتماعی آن از طریق بهبود نوآوری، توسعه محصولات و فناوری‌های جدید و گسترش بازارهای جدید می‌شود (لوبونت و همکاران^۱، ۲۰۲۲). در واقع اهمیت اقتصادی کارآفرینی به عنوان موتور تحول اقتصادی، مولد رشد اقتصادی، عامل اصلی ایجاد اشتغال، تحریک پیشرفت‌های فناورانه و افزایش رقابت‌پذیری مشهود است. با توجه به تأثیرات چند وجهی فعالیت‌های کارآفرینانه برخی از سیاستگذاران معتقدند، دولت‌ها می‌توانند نقش مهمی در شکل‌دهی و پرورش این نوع کسب و کارها از طریق تدوین و اجرای سیاست‌ها ایفا کنند (آجایی نایفیس و همکاران^۲، ۲۰۲۴). در همین راستا این موضوع که آیا دولت می‌تواند این موتور رشد اقتصادی (کارآفرینی) را تقویت کند به عنوان یک سوال مهم مورد توجه قرار گرفته است (ایزنبرگ^۳، ۲۰۱۰؛ لیگوری و همکاران^۴، ۲۰۱۹).

نقش دولت و سیاست‌های آن در حمایت از فعالیت‌های کارآفرینانه با سایر فعالیت‌های اقتصادی متمایز است چراکه در این نوع فعالیت‌ها به دلیل فضایی که در آن از کارآفرینان برای تسهیل سرریز دانش استفاده می‌کنند، با فعالیت‌های اقتصادی مرسوم متفاوت است. در واقع در کسب و کارهای موجود، بنگاه‌ها از قبل ایجاد شدند و دانش جدید به طور درونزا و از طریق سرمایه‌گذاری در پژوهش و توسعه ایجاد می‌شود. با این حال، سرمایه‌گذاری در دانش جدید ساده نیست و اینرسی سازمانی ممکن است منجر به عدم تجاری‌سازی ایده‌های جدید توسط شرکت فعلی یا سایر شرکت‌ها شود (آکس و سزرب^۵، ۲۰۰۷). از این‌رو سیاست‌های دولت برای توسعه کارآفرینی باید به طور قابل توجهی

^۱. Lobont et al.

^۲. Ajayi-Nifise et al.

^۳. Isenberg

^۴. Liguori et al.

^۵. Acs and Szerb

فراگیر باشد و طیف وسیعی از نهادها، موسسات و گروه‌های مختلف را در بر گیرد (آدرچ^۱، ۲۰۰۷) و در این راستا علاوه بر سیاست‌های کلی دولت (نظیر سیاست‌های مالی و مالیاتی)، سیاست‌های اختصاصی برای ترویج فعالیت‌های کارآفرینی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد (واتاو و همکاران^۲، ۲۰۲۲).

یکی از جامع‌ترین دسته‌بندی سیاست‌های دولتی اثرگذار بر کارآفرینی توسط آکس و سزرب (۲۰۰۷) ارائه شده است که مبنای این مطالعه است. در واقع سیاست‌های دولت مرتبط با کارآفرینی شامل سیاست‌های دولت در حوزه اقتصاد بین‌الملل (جهت ورود به بازارهای جهانی و دستیابی به تکنولوژی)، سیاست‌های مالی (مخارج عمومی، آموزش و مالیات) و سیاست‌های مرتبط با قوانین و مقررات بازار کار و محیط کسب و کار (فرآیند ایجاد بنگاه، سهولت دسترسی بنگاه‌ها به منابع مالی و حقوق مالکیت) می‌شوند. بنابراین حوزه‌های سیاستی اصلی که بر عملکرد کارآفرینی متمرکزند، آن‌هایی هستند که به طور گسترده در ایجاد یک محیط کسب‌وکار سالم برای همه سرمایه‌گذاران بالقوه، مانند سرمایه‌گذاران خارجی، محلی، SMEها و شرکت‌های چند ملیتی شناخته شده‌اند. این سیاست‌های خاص عموماً سیاست‌های اقتصادی و قوانین و مقررات هستند که فعالیت‌های کارآفرینی را تشویق و یا مانع از شکل‌گیری آن می‌شوند (آکینمی^۳، ۲۰۱۸).

در خصوص تأثیر سیاست‌های دولت بر کارآفرینی دو رویکرد وجود دارد از یک سو به عقیده بلک‌برن و اسمال‌بون^۴ (۲۰۰۸) ترویج کارآفرینی از طریق سیاست‌گذاری، موضوعی مشترک در استراتژی‌های اقتصادی دولت‌ها در سراسر جهان است. سیاست‌های دولت نقش مهمی در توسعه کارآفرینی از طریق توسعه توانایی یادگیری، مهارت‌ها و کسب دانش (دانیلز و همکاران^۵، ۲۰۱۹) و نیز کاهش چالش‌های کارآفرینان با بهبود محیط

¹. Audretsch

². Vatavu et al.

³. Akinyemi

⁴. Blackburn and Smallbone

⁵. Daniels et al.

کسب و کار (احمد و هافمن^۱، ۲۰۰۷)، کمک و تسهیل در کارآفرینی مولد و در عین حال اجتناب از شکل‌گیری رفتار غیرمولد (بایلند و مک‌کافری^۲، ۲۰۱۷) را ایفا می‌کنند. در مقابل برخی از نظریه‌پردازان بر این عقیده‌اند که سیاست‌های دولت لزوماً تأثیر مثبت بر کارآفرینی ندارد به عنوان نمونه مک‌کافری (۲۰۱۸) در راستای نظریه بامول^۳ بیان می‌کند که تأثیر سیاست دولت بر کارآفرینی لزوماً مولد و همراه با رونق اقتصادی نیست. عملکرد سیاست‌های دولت بر کارآفرینی، بسته به چارچوب نهادی، می‌تواند مولد، غیرمولد و حتی مخرب باشد و این موضوع بستگی به کیفیت نهادی و سیاست عمومی دولت دارد (بامول، ۱۹۹۶؛ کلرک و کروون^۴، ۲۰۰۸).

بنابراین توجه به ابعاد و جوانب اثرگذاری سیاست‌های دولت بر کارآفرینی قبل از پیشنهاد و تدوین آنها در کشورهای مختلف به ویژه کشورهای در حال توسعه حائز اهمیت است. نادیده گرفتن این واقعیت ممکن است به شکست این سیاست‌ها و یا اثرات پیش بینی نشده‌ای منجر شود (پارکر^۵، ۲۰۱۲). در مجموع، تأثیرات سیاست‌های دولت می‌تواند به افزایش یا کاهش کارآفرینی منجر شود. با این حال، علیرغم طیف وسیعی از اقدامات سیاستی اجرا شده برای ارتقای عملکرد کارآفرینی در کشورها، شواهد تجربی در مورد رابطه بین سیاست‌های عمومی و کارآفرینی حل‌نشده و بی‌پاسخ باقی مانده است (الوو و همکاران^۶، ۲۰۱۹) و این خلاء توسط آدرچ و همکاران (۲۰۲۲) به عنوان یک گسست علمی توصیف شده است. بنابراین سوال اصلی پژوهش این است که در کشورهای در حال توسعه طیف متنوعی از سیاست‌های دولت شامل سیاست‌های کلی دولت در ارتباط با اقتصاد کلان و اقتصاد بین الملل و نیز سیاست‌های خاص حوزه محیط کسب و کار و کارآفرینی چه تأثیری بر کارآفرینی دارند. از این‌رو هدف اصلی این مطالعه بررسی تأثیر

¹. Ahmad and Hoffman

². Bylund and McCaffrey

³. Baumol

⁴. Klerk and Kroon

⁵. Parker

⁶. Olowu et al.

سیاست‌های مختلف دولت بر توسعه کارآفرینی در قالب الگوی داده‌های تابلویی برای کشورهای در حال توسعه منتخب است.

نوآوری این مطالعه آن است که مبنای الگوسازی این مطالعه بر اساس الگوی جامع نظری ارائه شده توسط آکس و سزرب (۲۰۰۷) است که به طور صریح بر ابزارهای متعدد سیاست عمومی دولت بر کارآفرینی تاکید دارد. به عبارت دیگر در اغلب مطالعات در این حوزه یا بر یک جنبه از سیاست دولت نظیر سیاست‌های پولی و مالی و یا تأثیر برخی متغیرهای کلان اقتصادی بر کارآفرینی مورد تاکید قرار گرفت این در حالی است که در این مطالعه در کنار بررسی سیاست‌هایی که به صورت کلی و غیرمستقیم بر کارآفرینی تأثیر دارند، سیاست‌هایی که مسقیماً و از طریق محیط کارآفرینی و قوانین و مقررات مربوط به آن، فرآیند توسعه کارآفرینی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، نیز مورد توجه قرار خواهد گرفت تا بر این اساس در یک الگوی جامع نقش سیاست‌های دولت بر کارآفرینی؛ در کشورهای در حال توسعه که گام‌های اولیه را در تدوین استراتژی‌های توسعه کارآفرینی، برمی‌دارند مورد ارزیابی قرار گیرد و با توجه به اثربخشی آنها، پیشنهادات سیاستی ارائه شود.

ساختار کلی پژوهش به این شرح است که در ادامه و در بخش دوم مبانی نظری و پیشینه پژوهش ارائه می‌شود. در بخش سوم الگوی پژوهش تبیین می‌شود یافته‌ها و تفسیر نتایج در بخش چهارم تشریح می‌شود و بخش پنجم به جمع‌بندی اختصاص دارد.

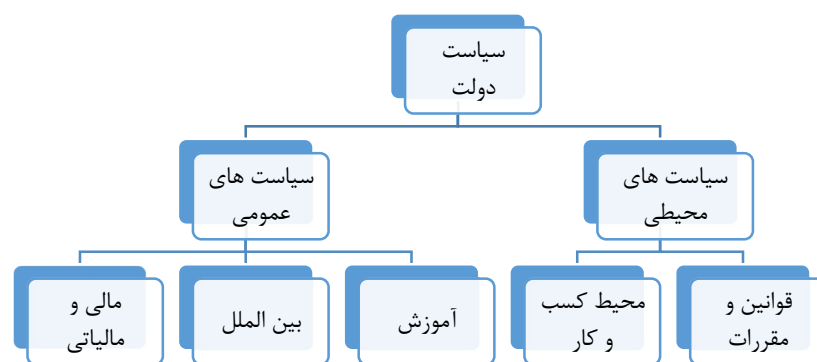
۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

سیاست‌های دولت تأثیر قابل توجهی در شکل‌دهی به محیطی که کارآفرینان در آن فعالیت می‌کنند، دارند (لاپوا-هنری و همکاران^۱ ۲۰۲۱؛ ویلدون و همکاران^۲، ۲۰۲۲). مشوق‌های مالیاتی، سازوکارهای تأمین مالی، چارچوب‌های نظارتی و برنامه‌های حمایتی

^۱. Lupova-Henry et al.

^۲. Wheildon et al.

از جمله ابزارهای سیاستی بی‌شماری هستند که دولت‌ها برای تحریک فعالیت‌های کارآفرینی به کار می‌گیرند (آجایی نفیسه و همکاران، ۲۰۲۴). در واقع سیاست‌های حمایتی دولت در مراحل ایجاد، رشد و توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه می‌تواند بر محدودیت‌های مالی و غیرمالی و بهبود عملکرد کارآفرینان غلبه کند. سیاست‌های حمایتی دولت به طور مستقیم (در قالب کمک‌های مالی و مشوق‌های مالیاتی) و غیرمستقیم با شکل‌دهی محیط اقتصادی، نظارتی و نهادی برای حمایت بیشتر کارآفرینان صورت می‌گیرد (پراسانات^۱، ۲۰۲۴). چنین دسته‌بندی از سیاست‌های اثرگذار بر کارآفرینی ریشه در مطالعه آکس و سزرب (۲۰۰۷) دارد (نمودار ۱).



نمودار (۱). انواع سیاست‌های دولت در حوزه کارآفرینی

منبع: آکس و سزرب (۲۰۰۷)

بنابراین می‌توان سیاست‌های تأثیرگذار بر کارآفرینی را به دو دسته سیاست‌های عمومی (نظیر سیاست‌های مالی و مالیاتی، تجارت بین‌المللی و آموزش) و سیاست‌های محیطی (محیط کسب و کار و قوانین و مقررات مربوط به آن) دسته‌بندی است.

^۱. Prasannath

۲-۱. سیاست‌های مالی و کارآفرینی

سیاست مالی انبساطی دولت (افزایش مخارج) می‌تواند از یک سو با افزایش تقاضای کل جامعه و ایجاد انتظارات مثبت برای فعالیتهای سرمایه‌گذاری، کارآفرینان جدید را به ایجاد کسب و کار و کارآفرینان سابق را برای حفظ یا گسترش کسب و کار خود تشویق کند (گالیندو مارتین^۱، ۲۰۲۱). از سوی دیگر دولت با تخصیص مخارج دولت به برنامه‌های تحقیق و توسعه، ایجاد پارک‌های صنعتی، موسسات تحقیقات فناوری و برنامه‌های حمایت از صنایع کوچک و متوسط و دانش بنیان می‌تواند نقش مهمی در ترویج فعالیتهای کارآفرینی داشته باشد (واتاوو و همکاران، ۲۰۲۲). البته توجه شود، مخارج دولت ممکن است از دو طریق مانع فعالیت کارآفرینی شود. از یک سو تخصیص مجدد منابع توسط دولت ممکن است انگیزه سرمایه‌گذاری در اقتصاد را مخدوش کند و منجر به کاهش کارایی شود. از سوی دیگر مخارج دولت ممکن است منجر به اثر جایگزینی دولت به جای بخش خصوصی شود (نیسا^۲، ۲۰۱۳).

علاوه بر این، یک سیستم مالیاتی مطلوب برای سرمایه‌گذاری‌های کوچک و کارآفرینی ممکن است افراد بیشتری را برای راه‌اندازی کسب و کار تشویق کند (کامینگ^۳، ۲۰۱۳؛ بروس و همکاران^۴، ۲۰۲۰). به عبارت دقیق‌تر، مالیات‌گذاری شفاف و قابل پیش‌بینی در حالت کلی و نیز معافیت‌های مالیاتی در سرمایه‌گذاری‌های با ریسک بالا و استارت‌آپ‌ها منجر به تشویق فعالیتهای کارآفرینانه و نوآورانه در یک مقیاس کارآمد و گسترده می‌شود (مارتینو^۵، ۲۰۲۱؛ بردلی^۶، ۲۰۲۱).

¹. Galindo-Martín

². Nica

³. Cumming

⁴. Bruce et al.

⁵. Murtinu

⁶. Bradley

۲-۲. سیاست‌های بین‌المللی و کارآفرینی

در خصوص توجیه سیاست‌های دولت در حوزه کارآفرینی بین‌المللی استدلال بر این است که جهانی شدن اقتصاد و تجارت، انتقال سرمایه از کشورهای ثروتمند را از طریق پس‌انداز و کاهش هزینه سرمایه، برای حمایت از کشورهای در حال توسعه امکان‌پذیر می‌کند؛ این امر منجر به سرمایه‌گذاری‌های عظیم و افزایش ظرفیت تولید کارآفرینان داخلی و در نتیجه تحریک رشد می‌شود (باتاکا^۱، ۲۰۱۹). ضمن این که جهانی شدن و آزادسازی تجاری، فرصت‌های برابر را بین شرکت‌ها و کارآفرینان بالقوه از طریق دسترسی به منابع و بازارهای ایجاد شده از طریق جهانی شدن اقتصاد، ارتقا می‌دهد (اولیسه و همکاران^۲، ۲۰۲۳).

افزایش تجارت و مبادلات اقتصادی بین کشورهای مختلف می‌تواند باعث ایجاد رقابت، انتقال تکنولوژی، ارتقای دانش مدیریتی، کاربرد بیشتر فناوری و رویکردهای خلاقانه و ایجاد صرفه در مقیاس تولید می‌شود و از این طریق موجب توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه به ویژه کارآفرینی بین‌المللی شود از این‌رو سیاست‌های دولت نظیر کاهش موانع تجاری برای تسهیل معاملات روان شرکت‌ها کمک کننده خواهد بود (کامپوس و همکاران^۳، ۲۰۱۸؛ گورینیا و همکاران^۴، ۲۰۲۲). از سوی دیگر، جهانی شدن اقتصاد ممکن است با سرکوب خلاقیت، ایجاد انحصار و وابستگی بیش از حد به کالاها و خدمات خارجی منجر به استثمار اقتصادی کشورهای کم‌درآمدتر و کاهش فعالیت‌های کارآفرینی آنها شود (آجیده و همکاران^۵، ۲۰۲۱).

^۱. Bataka

^۲. Olise et al.

^۳. Campos et al.

^۴. Gorynia et al.

^۵. Ajide et al.

۲-۳. آموزش و کارآفرینی

اندازه بزرگ دولت می‌تواند با ارائه خدمات بهتر برای کارآفرینان، مانند کارگران ماهری که از سیستم‌های آموزشی مؤثر بیرون می‌آیند، همراه باشد. در واقع سرمایه انسانی ماهر و آموزش دیده می‌توانند با بهبود مهارت‌های شناختی در تشخیص و بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینانه مشارکت داشته باشند (آدرچ و همکاران، ۲۰۲۲). حمایت دولت‌ها در حوزه آموزش کارآفرینی نقش مهمی در پرورش و شکوفایی استعداد‌های کارآفرینی ایفا می‌کند به عنوان مثال افزایش فعالیت‌های تحقیق و توسعه در دانشگاه‌ها، باعث تقویت بیشتر فرآیند نوآوری می‌شود (رانی و کومار^۱، ۲۰۲۱). از همین رو در اکثر جوامع، دولت‌ها مطابق با گزارش دیده‌بان جهانی کارآفرینی (GEM) برنامه‌هایی برای توسعه آموزش کارآفرینی حین دوران مدرسه و همچنین پس از آن ذیل وظایف دولت در زیرشاخص‌های اکوسیستم کارآفرینی مورد توجه قرار می‌دهند.

آموزش و یادگیری با توسعه مهارت‌ها و شایستگی‌های انجام فعالیت‌های کارآفرینی، به تصمیم‌گیری استراتژیک و فعالیت در بازارهای رقابتی و در حال تغییر کمک می‌کند و گرایش‌های کارآفرینانه را بهبود می‌بخشند (تیجرو و مولینا^۲، ۲۰۲۲). در عین حال، با تقویت مشاوره، مربیگری و راهنمایی و مشارکت در فعالیت‌های نوآورانه و ریسک‌پذیر، پایگاه منابع شرکت‌ها افزایش و در نتیجه انگیزه کارآفرینانه متوسط را بهبود می‌یابد (ختاک و شا^۳، ۲۰۲۰). در این راستا آکس و همکاران (۲۰۱۶) بر اساس تئوری سرریز دانش کارآفرینی (KSTE) توجیه می‌کنند که کارآفرینان برای دسترسی به سرریزهای دانش نیازمند حمایت دولت در سرمایه‌گذاری در دانش و تسهیل کانال‌ها، مکانیسم‌ها و نهادهای سرریز دانش است.

¹. Rani and Kumar

². González-Tejero and Molina

³. Khattak and Shah

۴-۲. سیاست‌های دولت در حوزه محیط کسب و کار و تأثیر آن بر کارآفرینی

در اقتصاد کارآفرینی، دولت کارآفرین نیست، بلکه قرار است با تمام قدرت قانونی خود از هر سرمایه‌گذاری تجاری محافظت کند و یک محیط تجاری برای کارآفرینان را از طریق بهبود قوانین و مقررات، ارتقای ظرفیت‌های نهادی و ایجاد زیرساخت‌های لازم فراهم نماید (سلیمی و همکاران، ۲۰۲۳). در واقع مهم‌ترین سیاست دولت در راستای توسعه کارآفرینی، تسهیل در ایجاد کسب‌وکارهای جدید، تشویق در گسترش آنها و یا حداقل رفع موانع آنها است و در این راستا توجه به مقررات اثرگذار بر ورود و خروج کسب و کارهای جدید و نوپا و نیز تسهیل فرآیندهای ایجاد مشاغل جدید حائز اهمیت است (آکس و آدرچ، ۲۰۱۶). بنابراین سیاست‌های دولت در راستای تسهیل محیط کسب و کار منجر به تشویق سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر و فعالیت‌های کارآفرینی می‌شود (دبوس و همکاران^۱، ۲۰۱۷).

ادبیات قابل توجهی نشان می‌دهد که نهادها و مقررات بازار کار، فعالیت کارآفرینی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. به عنوان نمونه تعیین دستمزد و سیستم‌های بیمه اجتماعی، با محدود کردن آزادی قراردادهای به ویژه برای کارگران ماهر و در نتیجه محدود کردن ترکیب‌های احتمالی عوامل تولید، بر انگیزه‌های فعالیت‌های کارآفرینانه به ویژه سرمایه‌گذاری‌های با ریسک بالا تأثیر می‌گذارد (دیلی^۲، ۲۰۲۱؛ هنرکسون و همکاران^۳، ۲۰۱۰). بنابراین در جوامعی با حاکمیت قانون موثر که دارای قوانین مالیات و مقررات کار کارآمد هستند؛ توجه افراد به سمت کارآفرینی بیشتر خواهد شد (لاپورتا و شلیفر^۴، ۲۰۰۸؛ دسای^۵، ۲۰۱۱). از سوی دیگر، در جوامعی با اجرای ضعیف قراردادهای، احتمال بیشتری وجود دارد که کارآفرینان خارج از مقررات دولتی عمل کنند (آلمیدا و کارنیرو^۶، ۲۰۱۲).

^۱. Debus et al.

^۲. Dilli

^۳. Henrekson et al.

^۴. La Porta and Shleifer

^۵. Desai

^۶. Almeida and Carneiro

علاوه‌براین دولت با فراهم کردن یک سیستم حقوقی منصفانه با حقوق مالکیت قوی و قانون قرارداد می‌تواند محیط را برای برای کارآفرینان برای راه‌اندازی سرمایه‌گذاری خود هموار نماید (کشمیری و اختر^۱، ۲۰۱۷ و عجم اوقلو و همکاران^۲، ۲۰۰۵).

از طرفی آدرچ و همکاران (۲۰۲۲) معتقدند در برخی مواقع دولت بزرگتر می‌تواند به ناکارآمدی حاکمیت ناکافی‌تر باشد، که می‌تواند با پیچیده‌تر کردن محیط کسب‌وکار و قرار دادن کارآفرینان در معرض خطر رفتارهای غارتگرانه توسط مأموران دولتی، فعالیت‌های کارآفرینی را دلسرد کند.

۳-۲- پیشینه پژوهش

مطالعات انجام شده در خصوص ارتباط بین دولت و کارآفرینی، عمدتاً یک یا چند جنبه از سیاست‌های دولت بر کارآفرینی را مورد توجه قرار داده‌اند. به عنوان نمونه لیارگواس و همکاران (۲۰۲۱) بر تأثیر سیاست مالی دولت، سولومون و همکاران (۲۰۲۲) بر نقش مخارج اجتماعی و صمدی (۱۳۹۶) بر نقش مالیات بر کارآفرینی را بررسی کردند. در عین حال مطالعاتی نظیر اولوو (۲۰۱۹) و گالیندو مارتین و همکاران (۲۰۲۱) بر نقش سیاست پولی تأکید داشتند. البته در برخی مطالعات دیگر تأثیرگذاری محیط کسب و کار بر کارآفرینی نظیر داوری و همکاران (۱۳۹۷) مورد بررسی قرار گرفت. علاوه‌براین در مطالعاتی که توسط مسعودی و عسگری (۱۴۰۳)، آشنا و همکاران (۱۴۰۲) و محمدی خیاره و رستمی (۱۳۹۹) انجام شد عمدتاً تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی نظیر تورم، بیکاری، نرخ بهره و رشد اقتصادی بر کارآفرینی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفت. جدول زیر اهم مطالعات داخلی و خارجی که در راستای نقش دولت و سیاست‌های دولت بر کارآفرینی بوده است را نشان می‌دهد.

^۱. Kashmiri and Akhter

^۲. Acemoglu et al.

جدول (۱). اهم مطالعات انجام شده در خصوص تأثیر نقش دولت بر کارآفرینی

نویسندگان	جامعه آماری و دوره پژوهش	روش پژوهش	نتایج
چراتیان و قربانی (۱۳۹۳)	کشورهای نوآوری محور ۲۰۰۲-۲۰۰۷	رهیافت داده‌های تابلویی	رابطه مثبت و معنادار بین کارآفرینی و سیاست‌های پولی و مالی
صمدی (۱۳۹۶)	سه گروه کشورهای منبع، کارایی و نوآوری محور ۲۰۰۲-۲۰۱۴	داده‌های تابلویی	تأثیر منفی نرخ مالیات بر کارآفرینی در کشورهای منبع محور و کارایی محور و عدم تأثیر معنی دار در کشورهای نوآور
داوری و همکاران (۱۳۹۷)	کارشناسان و مدیران نهادهای سیاست‌گذار و اجرایی حوزه کارآفرینی-۱۳۹۷	روش پرسشنامه	تأثیر بهبود محیط کسب و کار بر توسعه کارآفرینی
محمدی خیاره و رستمی (۱۳۹۹)	کشورهای کارایی محور و نوآوری محور ۲۰۱۰-۲۰۱۸	روش گشتاورهای تعمیم‌یافته	تأثیر منفی مالیات، سرمایه‌گذاری خارجی، تورم و هزینه‌های کسب‌وکار و تأثیر مثبت نرخ بیکاری و دسترسی به منابع مالی بر فعالیت کارآفرینانه در کشورهای کارایی-محور
آشنا و همکاران (۱۴۰۲)	۲۰ کشور در حال توسعه ۲۰۰۹-۲۰۱۹	رهیافت داده‌های تابلویی	تأثیر مثبت هزینه‌های دولت و اعتبارات بر کارآفرینی، عدم تأثیر معنادار رشد اقتصادی بر کارآفرینی و همچنین تأثیر مثبت تورم و نرخ بهره بر کارآفرینی
مسعودی و عسگری (۱۴۰۳)	داده‌های فصلی اقتصاد ایران ۱۳۸۵-۱۴۰۰	الگوی اقتصادسنجی خود رگرسیون برداری تعمیم‌یافته	تأثیر مثبت تولید ناخالص داخلی بر کارآفرینی و تأثیر منفی تکانه تورم و بیکاری بر کارآفرینی و عدم تأثیر معنادار تکانه تشکیل سرمایه ثابت
لوبونت و همکاران (۲۰۲۲)	کشورهای اتحادیه اروپا ۱۹۹۹-۲۰۱۳	الگوی داده‌های تابلویی آستانه‌ای	تأثیر مثبت سیاست عمومی بر کارآفرینی دولت قبل از مقدار آستانه‌ای و تأثیر منفی پس از مقدار آستانه
واتاوو و همکاران (۲۰۲۲)	کشورهای گروه G7 و روسیه ۲۰۰۱-۲۰۱۸	تحلیل مولفه‌های اصلی (PCA)	عدم معناداری تأثیر نگرش‌ها و رفتار کارآفرینانه بر کارآفرینی و تأثیر مثبت چارچوب کارآفرینی توسعه یافته توسط بخش دولتی بر آن
سولومون ^۱ و همکاران (۲۰۲۲)	۳۱ کشور توسعه یافته ۲۰۰۴-۲۰۱۱	رهیافت داده‌های تابلویی	تأثیر منفی مخارج تأمین اجتماعی بر فعالیت‌های کارآفرینانه

^۱. Solomon

نویسندگان	جامعه آماری و دوره پژوهش	روش پژوهش	نتایج
لیارگواس ^۱ و همکاران (۲۰۲۱)	کشورهای عضو اتحادیه اروپا ۲۰۰۲-۲۰۱۸	رهیافت داده‌های تابلویی	تأثیر مثبت سیاست مالی بر رشد و عدم معناداری تأثیر آن بر کارآفرینی
گالیندو مارتین و همکاران (۲۰۲۱)	کشورهای منتخب OECD ۲۰۲۰	روش حداقل مربعات جزئی (PLS)	سیاست پولی در دوره همه‌گیری کووید به نفع کارآفرینی است و سیاست‌های مالی نیز تأثیر مثبت، هرچند معتدل‌تر، بر کارآفرینی دارند.
اولوو (۲۰۱۹)	ده کشور انگلیسی و فرانسوی زبان غرب آفریقا- ۲۰۱۸-۲۰۰۰	رهیافت داده‌های تابلویی	تأثیر سیاست پولی بر کارآفرینی در کشورهای انگلیسی زبان و سیاست مالی در کشورهای فرانسوی زبان
آکینمی و همکاران (۲۰۱۸)	نیجریه و آفریقای جنوبی- ۲۰۱۸	تحلیل مؤلفه اصلی (PCA)	تأثیر متفاوت سیاست‌های دولت بر مراحل کارآفرینی در دو کشور مذکور
کاستانو ^۲ و همکاران (۲۰۱۵)	کشور اتحادیه اروپا ۲۰۱۲	تخمین PLS	تأثیر هزینه‌های عمومی در مورد پژوهش و توسعه، سرمایه‌گذاری عمومی در آموزش و پرورش بر کارآفرینی
رعنائی و همکاران (۱۴۰۲)	ایران ۱۳۶۸-۱۴۰۱	الگوی تعادل عمومی پویای تصادفی	تأثیر تکانه‌های پولی و مالی انبساطی بر رونق اقتصادی از طریق اهرمی کردن بانک‌ها و کارآفرینان

منبع: یافته‌های پژوهش

۳. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی و از منظر گردآوری و تحلیل داده‌ها، توصیفی-همبستگی به روش رگرسیون مبتنی بر داده‌های تابلویی مستخرج از پایگاه داده بانک جهانی، دیده‌بان جهانی و بنیاد هریتیج است. الگوی اصلی پژوهش برگرفته از مطالعه نظری آکس و سزرب (۲۰۰۷) است و همچنین از مطالعات دیگری نظیر اولو (۲۰۱۹)، بروس و همکاران (۲۰۱۹ و ۲۰۲۰)، کامپوس و همکاران (۲۰۲۱) و واتاوو و همکاران (۲۰۲۲) استفاده شده است. به عبارت دقیق‌تر بر اساس مطالعه نظری آکس و سزرب (۲۰۰۷) و نیز مطالعات نظری جدیدتر در این حوزه نظیر پراسانات و همکاران (۲۰۲۴) و

^۱. Liargovas

^۲. Castaño

سلیمی و همکاران (۲۰۲۳)، سیاست‌های موثر دولت بر کارآفرینی را می‌توان به دو دسته کلی سیاست‌های عمومی (غیرمستقیم) و سیاست‌های حوزه محیط کارآفرینی و کسب و کار (سیاست‌های مستقیم) دسته‌بندی کرد. سیاست‌های عمومی دولت خود به دو حوزه داخلی (سیاست‌های مالی، مالیاتی و آموزش) و بین‌المللی (سیاست‌های تجارت فرامرزی) دسته‌بندی می‌شود که با پیروی از مطالعات تجربی از شاخص‌های مخارج دولت و مالیات (به تبعیت از مطالعات آدرچ و همکاران ۲۰۲۲)، مخارج آموزش و درجه باز بودن تجارت (لوبونت و همکاران ۲۰۲۲) و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (اسلسمن و همکاران ۲۰۲۱)) استفاده می‌شود. برای سیاست‌های دولت در محیط کسب و کار معمولاً در مطالعات از متغیرهای نهادی نظیر مولفه‌های حکمرانی خوب استفاده می‌شود (آدرچ و همکاران ۲۰۲۲، لوبونت و همکاران ۲۰۲۲، رانی و همکاران ۲۰۲۱ و داس و داس ۲۰۲۱). در این مطالعه از مولفه‌های آزادی اقتصادی نظیر کارایی بازار کار و حقوق مالکیت برای این موضوع استفاده شده است ضمن این که با پیروی از مطالعه دارینهمادانی^۱ و همکاران (۲۰۱۸) از شاخص هزینه‌های شروع کسب و کار که عامل مهم در ایجاد فعالیت‌های کارآفرینانه است، استفاده شده است. در نهایت بر اساس روش داده‌های تابلویی الگوی پژوهش به صورت زیر تبیین می‌گردد:

$$TEA_{it} = f(GLOBAL_{it}, NATIONAL_{it}, REGULATION_{it})$$

که در آن TEA ^۲ بیانگر شاخص کارآفرینی نوپا است و GLOBAL نمایانگر سیاست‌های

^۱ Darnihamedani

^۲ در مطالعات حوزه کارآفرینی و ارتباط آن با متغیرهای کلان اقتصادی از شاخص‌هایی نظیر شاخص کارآفرینی نوپا (TEA) دیده‌بان جهانی کارآفرینی (GEM) و شاخص تراکم کسب و کار جدید (New Density Bossiness) بانک جهانی به عنوان متغیر وابسته استفاده می‌شود و با توجه به اینکه شمولیت استفاده TEA بیشتر از NDB است و همچنین برای کشورهای در حال توسعه دسترسی به داده‌های GEM از لحاظ دوره زمانی و تعداد کشورها بهتر از داده‌های بانک جهانی است، از شاخص TEA به عنوان متغیر وابسته استفاده شده است. ضمن اینکه در مطالعات چند سال اخیر در بررسی ارتباط بین نهادها، دولت و کارآفرینی نظیر بوسما و همکاران (۲۰۱۸)، آپاریسیو و همکاران (۲۰۲۱)، رانی و کومار (۲۰۲۱)، آدرچ و همکاران (۲۰۲۲) و لوبونت و

دولت در حوزه ارتباط با اقتصاد جهانی، NATIONAL بیانگر سیاست‌های دولت در حوزه ارتباط با اقتصاد داخلی، REGULATION بیانگر سیاست‌های دولت در محیط کسب و کار و بازار کار است. شایان ذکر است در هر کدام از سیاست‌های سه‌گانه شاخص‌هایی معرفی شده است که در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول (۲). معرفی متغیرهای پژوهش

متغیر	شاخص	نوع متغیر	نماد	شرح	منبع
کارآفرینی	کارآفرینی نوپا	وابسته	TEA	درصدی از جمعیت ۱۸ تا ۶۴ سال مالک و مدیر کسب و کار جدید	دیده بان جهانی کارآفرینی
سیاست اقتصادی بین‌المللی	درجه بازبودن تجارت	مستقل	Trade	نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی (GDP)	بانک جهانی
	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	مستقل	FDI	میزان خالص ورود سرمایه خارجی به داخل کشور به GDP	بانک جهانی
سیاست اقتصادی داخلی	مخارج کل دولت	مستقل	GOV	مخارج سالانه دولت برای تأمین خدمات عمومی به GDP	بانک جهانی
	مخارج دولت در حوزه آموزش	مستقل	Cost edu	مخارج سالانه دولت در زمینه آموزش عمومی به GDP	بانک جهانی
	مالیات	مستقل	Tax	درآمدهای مالیاتی دولت به GDP	بانک جهانی
سیاست حوزه محیط کسب و کار	هزینه راه‌اندازی کسب و کار	مستقل	Cost	هزینه ثبت یک کسب و کار با ارائه آن به عنوان درصدی از درآمد ناخالص ملی (GNI)	بانک جهانی
	کارایی بازار کار	مستقل	LF	توانایی افراد برای یافتن فرصت‌های شغلی و توانایی بنگاه‌ها برای عقد قرارداد آزادانه برای نیروی کار و اخراج کارگران مازاد (از زیر شاخص‌های آزادی اقتصادی بین ۰ تا ۱۰۰)	بنیاد هریتیج
	حقوق مالکیت	مستقل	PR	درجه حمایت قانون از حقوق مالکیت خصوصی (از زیر شاخص‌های آزادی اقتصادی بین ۰ تا ۱۰۰)	بنیاد هریتیج

منبع: یافته‌های پژوهش

همکاران (۲۰۲۲) از شاخص TEA به عنوان متغیر وابسته استفاده شده است.

الگوی اقتصادسنجی پژوهش برای کشورهای منتخب در حال توسعه^۱ بر اساس تقسیم‌بندی بانک جهانی و دسترسی به داده‌های آنها، برای سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۲۲ و بر اساس الگوهای مبتنی بر اطلاعات داده‌های تابلویی (ترکیبی) در نرم‌افزار STATA برآورد می‌شود. جدول زیر آمار توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش برای کشورهای در حال توسعه منتخب برای دوره مذکور را نشان می‌دهد.

جدول (۳). آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	حداقل	حداکثر
کارآفرینی	۱۵/۱۱	۱/۵۶ (لهستان (۲۰۲۲))	۴۹/۶ (آنگولا (۲۰۲۰))
تجارت	۷۳/۲۲	۲۲/۱۱ (برزیل (۲۰۰۹))	۲۰۲/۵۷ (مالزی (۲۰۰۸))
سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	۳/۶۴	-۴۰/۰۸ مجارستان (۲۰۱۰)	۵۴/۱۸ مجارستان (۲۰۱۶)
مالیات	۱۸۷/۳۳	۰/۰۴ امارات (۲۰۱۹)	۳۴/۶ نامیبیا (۲۰۱۴)
مخارج کل دولت	۱۵/۱۳	۲/۳۶ امارات (۲۰۲۱)	۳۸/۲۳ اکراین (۲۰۲۲)
مخارج دولت در حوزه آموزش	۴/۴	۱/۶ لبنان (۲۰۱۰)	۱۰/۶۷ بوتسوانا (۲۰۰۶)
هزینه راه اندازی کسب و کار	۱۶/۸۶	۰/۲ آفریقا جنوبی (۲۰۱۹)	۳۴۳/۷ آنگولا (۲۰۰۸)
کارایی بازار کار	۱۵۶/۶۸	۲۱/۷ مراکش (۲۰۱۰)	۱۰۰ گرجستان (۲۰۰۸)

^۱. آرژانتین، آفریقای جنوبی، آنگولا، اردن، ارمنستان، اروگوئه، اکوادور، امارات متحده عربی، اندونزی، اوکراین، ایران، باربادوس، بحرین، برزیل، بلاروس، بلغارستان، بوتسوانا، بولیوی، پاناما، پرو، تایلند، ترکیه، تونس، جامائیکا، جمهوری دومینیکن، چین، روسیه، رومانی، شیلی، صربستان، عربستان سعودی، فیلیپین، قزاقستان، کاستاریکا، کرواسی، کلمبیا، گابن، گواتمالا، لبنان، لهستان، مالزی، مجارستان، مراکش، مصر، مکزیک، نامیبیا، هندوستان

۹۰ شیلی (۲۰۱۵)	۱۰ ایران (۲۰۱۶)	۴۷/۰۵	حقوق مالکیت
-------------------	--------------------	-------	-------------

منبع: یافته‌های پژوهش

۴. برآورد الگو و تحلیل نتایج

۴-۱. آزمون‌های تشخیصی الگو

به منظور برآورد الگو از رویکرد داده‌های تابلویی ابتدا لازم است با استفاده از آزمون هاسمن بین دو نوع برآوردگر الگو یعنی روش اثرات تصادفی (RE) و یا اثرات ثابت (FE) انتخاب شود، آماره مربوط به آزمون هاسمن در جدول (۴) ارائه شده است. مطابق آماره آزمون هاسمن در بالا و همچنین رد فرضیه صفر مبنی بر یکسان بودن خصوصیات دو الگو، روش اثرات تصادفی نسبت به روش اثرات ثابت برتری داشته در ضمن خطای کمتری ایجاد می‌کند.

جدول (۴). آماره آزمون هاسمن

آماره آزمون هاسمن	درصد احتمال	نتیجه آزمون
۱۵۰/۷۸	۰/۰۰۰	رد فرضیه صفر

منبع: یافته‌های پژوهش

پیش از تحلیل نتایج نهایی، بررسی فروض کلاسیک الگوی رگرسیون برای داده‌های تابلویی ضروری است تا از اعتبار استنتاج‌های آماری اطمینان حاصل شود. علاوه بر آزمون هاسمن برای انتخاب میان اثرات ثابت و تصادفی، چهار آزمون تشخیصی کلیدی دیگر شامل آزمون وابستگی مقطعی، آزمون ناهمسانی واریانس، آزمون خودهمبستگی و آزمون نرمال بودن باقیمانده‌ها نیز انجام شد. نتایج این آزمون‌ها در جدول (۵) خلاصه شده است.

جدول (۵). نتایج آزمون‌های تشخیصی برای روش اثرات تصادفی

آزمون	فرضیه صفر	آماره آزمون	مقدار احتمال (P-value)	نتیجه آزمون
۱-وابستگی مقطعی	عدم وجود وابستگی	۵۴/۱۲	۰/۰۰۱	رد فرضیه

صفر			مقطعی	(Pesaran CD test)
رد فرضیه صفر	۰/۰۰۰	۷۸/۲۱	واریانس همسانی	۲- ناهمسانی واریانس (Modified Wald test)
رد فرضیه صفر	۰/۰۰۴	۳۲/۸	عدم وجود خودهمبستگی مرتبه اول	۳- خودهمبستگی (Wooldridge test)
رد فرضیه صفر	۰/۰۰۰	۱۱/۷۸	باقیمانده‌ها دارای توزیع نرمال هستند	۴- نرمال بودن باقیمانده‌ها (Shapiro-Wilk test)

منبع: یافته‌های پژوهش

تحلیل نتایج آزمون‌های تشخیصی به شرح زیر است:

(۱) آزمون وابستگی مقطعی پسران^۱: مقدار احتمال کمتر از ۰،۰۰۵، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود وابستگی مقطعی را رد می‌کند. این نتیجه نشان می‌دهد که به دلیل وجود تکران‌های مشترک جهانی یا سرریزهای منطقه‌ای، بین کشورهای نمونه وابستگی وجود دارد و نادیده گرفتن آن می‌تواند به نتایج تورش‌دار منجر شود.

(۲) آزمون والد تعدیل‌شده^۲: این آزمون به شدت فرضیه صفر مبنی بر همسانی واریانس را رد می‌کند و حاکی از وجود مشکل ناهمسانی واریانس در میان مقاطع (کشورها) است. (۳) آزمون وولدریج^۳: نتیجه این آزمون نیز نشان‌دهنده وجود خودهمبستگی سریالی در اجزای خطای الگو است.

(۴) آزمون شاپیرو-ویلک^۴: این آزمون نرمال بودن توزیع باقیمانده‌ها را رد می‌کند. هرچند با توجه به حجم نمونه، این موضوع به اندازه سه مورد قبل بحرانی نیست، اما نشان‌دهنده انحراف از فروض کلاسیک است.

با توجه به نتایج فوق که حاکی از نقض فروض اساسی روش کلاسیک است، استفاده

^۱. Pesaran CD Test

^۲. Modified Wald Test

^۳. Wooldridge Test

^۴. Shapiro-Wilk Test

از برآوردگر استاندارد اثرات تصادفی (RE) منجر به استنتاج‌های آماری نامعتبر خواهد شد، زیرا خطاهای استاندارد به صورت اریب برآورد می‌شوند. برای غلبه بر این مشکلات به صورت همزمان، رویکرد استاندارد، استفاده از برآوردگر با خطاهای استاندارد مقاوم^۱ است. در این پژوهش، الگوی اصلی با استفاده از خطاهای استاندارد مقاوم خوشه‌ای در سطح کشور^۲ مجدداً برآورد شده است. این روش، خطاهای استاندارد را به گونه‌ای تعدیل می‌کند که در مقابل مشکلات ناهمسانی واریانس، خودهمبستگی درون گروهی و تا حدی وابستگی مقطعی، مقاوم باشد. نتایج نهایی که در جدول (۶) ارائه می‌شود، بر اساس این برآوردگر مقاوم گزارش شده است.

جدول (۶). تحلیل عمیق نتایج برآورد الگو (کارآفرینی به عنوان متغیر وابسته)

متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره Z	ارزش احتمال
سیاست اقتصادی بین الملل				
تجارت	-۰/۰۱۳۷	۰/۰۱۸۵	-۰/۷۴	۰/۴۵۸
سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	-۰/۰۷۰۵	۰/۰۵۳	-۱/۳۳	۰/۱۸۴
سیاست اقتصادی داخلی				
مخارج کل دولت	-۰/۱۲۳	۰/۱۶۳	-۰/۷۶	۰/۴۵۰
مخارج آموزش	۰/۰۱۲۶	۰/۰۰۴۵	۲/۸۲	۰/۰۰۵
مالیات	-۰/۰۰۵۴	۰/۰۰۳۲	-۱/۷۱	۰/۰۸۷
سیاست محیط کسب و کار				
هزینه راه اندازی کسب و کار	-۰/۰۳۵۱	۰/۰۱۳۳	-۲/۶۵	۰/۰۰۸
کارایی بازار کار	-۰/۰۱۳۲	۰/۰۰۵۶	-۲/۳۴	۰/۰۱۹
حقوق مالکیت	۰/۰۲۹۷	۰/۰۱۰۸	۲/۷۵	۰/۰۰۶

یادداشت: نتایج بر اساس برآوردگر اثرات تصادفی (Random Effects) با استفاده از خطاهای استاندارد مقاوم خوشه‌ای در سطح کشور به دست آمده است تا در مقابل ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی مقاوم باشد. متغیر وابسته، شاخص کارآفرینی نوپا (TEA) است.

منبع: یافته‌های پژوهش

^۱. Robust Standard Errors

^۲. Country-Clustered Robust Standard Errors

۲-۴. تحلیل نتایج

مطابق یافته‌های پژوهش در جدول (۶) مشاهده می‌شود که متغیرهای پژوهش در حوزه سیاست‌های دولت با دنیای خارج (تجارت خارجی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی) تأثیر معناداری بر کارآفرینی در کشورهای در حال توسعه ندارند. شاید بتوان چنین استدلال کرد که در کشورهای در حال توسعه، میزان تنوع بازاری و تنوع محصول در تجارت خارجی و همچنین پیچیدگی اقتصاد همچنان به سطحی نرسیده است که بتواند عامل اثرگذار بر توسعه کارآفرینی به ویژه کارآفرینی بین‌المللی شود. علاوه بر این در کشورهای در حال توسعه FDI عاملی اثرگذار بر توسعه کارآفرینی نیست به عبارت دیگر در این گروه از کشورها، انتقال تحقیق و توسعه و تکنولوژی به مقدار پایدار خود نرسیده است تا بتواند کارآفرینی مبتنی بر فعالیت‌های نوآورانه را تحریک نماید. به عبارت دیگر این نتیجه‌گیری مطابق با این رویکرد است که سرمایه‌گذاری خارجی ممکن است با ایجاد رقابت نابرابر (یبوا و پرمپه^۱، ۲۰۲۳) و کاهش ابتکار و نوآوری در میان کارآفرینان محلی (راو و همکاران^۲، ۲۰۲۴) باعث تضعیف کسب‌وکارهای محلی و کاهش سهم بازار آن‌ها شود و کارآفرینان بالقوه محلی به جای توسعه راه‌حل‌های خلاقانه، به جذب سرمایه‌گذاران خارجی تمرکز کنند.

نتایج الگو در خصوص سیاست‌های دولت در حوزه اقتصاد داخلی با توجه به سه شاخص مهم الگو بیانگر آن است که:

(۱) مخارج عمومی دولت تأثیر معناداری بر کارآفرینی ندارد یعنی در کشورهای در حال توسعه مخارج دولت فاکتور حمایتی برای برانگیختن کارآفرینان نبوده است. که این موضوع را می‌توان هم راستا با یافته‌های لیارگواس^۳ (۲۰۲۲) مبنی بر این که مخارج در زیرساخت‌ها، رشد اقتصادی و کارآفرینی را افزایش می‌دهد، در حالی که هزینه‌های جاری

^۱. Yeboah and Prempeh

^۲. Rao et al.

^۳. Liargovas

و حمایت اجتماعی هیچ تأثیر مثبتی بر آن ندارد. در واقع با توجه به این که در کشورهای در حال توسعه نظیر ایران سهم هزینه‌های عمرانی و زیرساختی پایین است لذا مخارج عمومی دولت عامل اثرگذار بر توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه نیست. همچنین این موضوع، رویکرد نیسا (۲۰۱۳) مبنی بر این که تخصیص مجدد منابع توسط دولت ممکن است سیستم کلی انگیزه کارآفرینی در اقتصاد را مخدوش کند و منجر به از دست دادن کارایی شود و همچنین مخارج دولت ممکن است منجر به اثر تزاممی بخش خصوصی شود را مورد تایید قرار می‌دهد.

۲) در عین حال مخارج دولت در حوزه آموزش تأثیر مثبت و معنادار بر کارآفرینی دارد که این نتیجه‌گیری سازگار با تحلیل همانندز-سانچز^۱ و همکاران (۲۰۱۹) و و دراگومیر و پانزارو^۲ (۲۰۱۵) است که بیان می‌دارند آموزش به عنوان یک هنجار اساسی و اصلی در روند شروع یک سرمایه‌گذاری تجاری جدید عمل می‌کند و باعث تولید و انتقال دانش، ارتقای مهارت‌های کارآفرینی و بهبود کارایی کارآفرینان می‌شوند. به عبارت دیگر این فرض کلیدی که اوستربیک و همکاران^۳ (۲۰۱۰) ادعا می‌کنند که مهارت‌های کارآفرینی قابل آموزش هستند و آموزش عمومی (سال‌های تحصیل) بر عملکرد کارآفرینان مثبت است و همچنین آموزش کسب‌وکار و فعالیت‌های فنی و حرفه‌ای بر عملکرد افرادی که برای راه‌اندازی کسب‌وکار خود از طریق تأمین مالی خرد اقدام کرده‌اند، مؤثر است، مورد تایید قرار می‌گیرد.

۳) علاوه بر این، سیاست مالیاتی دولت تأثیر معنادار بر فعالیت‌های کارآفرینی دارد به عبارت دقیق‌تر افزایش مالیات تأثیر منفی و معنادار بر کارآفرینی نوپا در گروه کشورهای در حال توسعه منتخب، دارد که مطابق با یافته‌های مینیتی^۴ (۲۰۰۵)، آدرچ و همکاران (۲۰۲۲) و صمدی و میرهاشمی (۱۳۹۶) است. به عبارت دقیق‌تر اگرچه در برخی نظریه‌ها

^۱. Gormont

^۲. Dragomir and Panzaru

^۳. Oosterbeek

^۴. Minniti

چنین عنوان می‌شود، سیاست مالیاتی ممکن است با انتقال درآمد از افراد پردرآمد به افراد کم‌درآمد، سرمایه بیشتری را در اختیار کارآفرینانی که دسترسی کمتری به منابع مالی دارند، بگذارد. با این حال به طور معمول در کشورهای در حال توسعه که کارآفرینان نوپا و ضرورت‌گرا به طور نسبی زیاد هستند، وضع مالیات در عمل محدودیت‌هایی را برای تبدیل شدن افراد کم‌درآمد به کارآفرینان ایجاد می‌کند.

نتایج در خصوص سیاست‌های دولت در حوزه محیط کسب و کار بر اساس شاخص‌هایی همچون حقوق مالکیت، کارایی بازار کار و هزینه‌های راه‌اندازی کسب و کار نشان می‌دهد:

(۱) نخست این که، نتایج پژوهش بیانگر تأثیر مثبت و معنادار حقوق مالکیت بر کارآفرینی در کشورهای در حال توسعه است که این موضوع مطابق با مبانی رایج نظری و تجربی است مبنی بر این که فعالیت کارآفرینی در یک جامعه توسط بنیان نهادی، به ویژه ساختار حقوق مالکیت، شکل می‌گیرد (ردفورد^۱ ۲۰۲۰). در واقع همان‌طور که عجم‌اوغلو و همکاران (۲۰۰۵)، رودریک و همکاران (۲۰۰۴) و نورث و همکاران (۲۰۰۹) تاکید می‌کنند؛ در کنار حاکمیت قانون، حفاظت از حقوق مالکیت خصوصی (اسناد قانونی برای نگهداری اموال و حفاظت از آنها) به عنوان بنیان‌های نهاد اقتصادی است و از عدم اطمینان بی‌مورد جلوگیری می‌کنند و لذا این امر تضمین می‌کند که کارآفرینان می‌توانند با اعتماد و انگیزه بالایی در فعالیت‌های تولیدی شرکت کنند که این موضوع در راستای مطالعات الرت و همکاران^۲ (۲۰۱۹) است که بیان می‌دارد با تقویت در حاکمیت قانون و حفاظت از حقوق مالکیت، انگیزه اصلی فعالیت کارگران، سرمایه‌گذاران و کارآفرینان برای تولید و سرمایه‌گذاری به ویژه سرمایه‌گذاری نوآورانه و با ریسک بالا افزایش خواهد یافت و فعالیت‌های اقتصاد زیرزمینی محدود می‌شود. یکی از ابعاد مهم حمایت از حقوق مالکیت، اجرای قراردادها است که اساس نظام بازار و متضمن دریافت عائدی حاصل از

^۱. Redford

^۲. Elert et al.

مبادلات تجاری، پس‌انداز و تجارت بین کشورها است. از این رو به رسمیت شناختن حقوق مالکیت خصوصی و حاکمیت قانون اثربخش برای حمایت از آنها از ویژگی‌های حیاتی هر اقتصاد و برانگیختن فعالیت‌های کارآفرینانه و مولد است.

۲) مطابق نتیجه پژوهش مشاهده می‌شود که در کشورهای در حال توسعه، هزینه‌های کسب و کار به عنوان یکی از موانع اساسی فعالیت‌های کارآفرینانه به ویژه برای کارآفرینان کوچک و متوسط، تاسیس شرکت و تداوم فعالیت آنها است. در واقع در این گروه از کشورها، کارآفرینان از یک سو با فرآیند طولانی و زمانبر ایجاد فعالیت خود مواجه هستند و از سوی دیگر هزینه‌های راه‌اندازی شرکت و دسترسی به ملزومات آن یعنی اخذ انرژی و تأمین اعتبارات با مشکلاتی مواجه هستند که لازم است شرایطی برای تسهیل فعالیت‌های آنها توسط دولت فراهم شود. در این راستا دارنیهمدانی و همکاران (۲۰۱۸) و نیز شولتز و همکاران^۱ (۲۰۱۶) استدلال می‌کنند که وقتی هزینه‌های راه‌اندازی کسب و کار بالا باشد، به‌ویژه افرادی که ایده‌های نه چندان بدیعی دارند، از کارآفرین شدن منصرف می‌شوند. همچنین افرادی که چنین ایده‌هایی دارند انتظار بازده بالایی ندارند و بنابراین کمتر مایل به متحمل شدن هزینه‌های بالای ورود یک‌باره هستند. بنابراین کاهش هزینه‌های راه‌اندازی، کارآفرین شدن را برای آنها آسان‌تر و جذاب‌تر می‌کند.

۳) یکی از نقش‌های مهمی که دولت در توسعه کارآفرینی می‌تواند ایفا نماید، ارتقای کارایی بازار کار و قوانین و مقررات مربوط به آن است برای این منظور از شاخص آزادی کار (یکی از زیرشاخص‌های آزادی اقتصادی) در الگو استفاده شده است. نتایج حاکی از آن است که در کشورهای منتخب در حال توسعه، شاخص آزادی کار تأثیر منفی و حتی معنادار بر کارآفرینی دارد این موضوع بیانگر این است که در این گروه از کشورهای در حال توسعه، توانایی افراد برای یافتن فرصت‌های شغلی و نیز توانایی بنگاه‌ها برای عقد قرارداد آزادانه برای نیروی کار و اخراج کارگران مازاد که یکی از اجزای کلیدی شاخص آزادی

^۱. Schulz et al.

اقتصادی است، به اندازه کافی ارتقا نیافته است. به عبارت دیگر وضعیت کارایی بازار کار و قوانین مربوط به این بازار در سطح مناسبی قرار ندارد و توانایی افراد برای یافتن فرصت‌های شغلی مناسب و نیز آزادی بنگاه‌ها برای عقد قرارداد انعطاف‌پذیر برای نیروی کار و اخراج نیروی کار مازاد در این گروه از کشورها محدود است. در واقع اصل اساسی هر بازار آزاد، مبادله داوطلبانه است و این موضوع به همان اندازه که برای بازار کالا حائز اهمیت است در بازار کار نیز برقرار است. بنابراین مداخله دولت همان مشکلاتی را در هر بازار ایجاد می‌کند که در بازار کار نیز ایجاد می‌کند. علاوه بر این می‌توان این نتیجه‌گیری را همسو با مطالعات چن و همکاران (۲۰۱۱) و آکس و آدرچ (۲۰۱۶) دانست که معتقد بودند قوانین حاکم بر محیط کسب و کار از طریق قوانین حداقل دستمزد، تعداد کارمندان دولت و تراکم اتحادیه کارگری می‌تواند بر عملکرد کارآفرینی، سرمایه‌گذاری خطرپذیر و نوآوری تأثیر بگذارد. به عنوان نمونه قوانین حداقل دستمزد به طور بالقوه فعالیت‌های کارآفرینی را منع می‌کند، زیرا شرکت‌های کوچک‌تر توانایی کم‌تری برای پرداخت کارگران با مهارت پایین با حداقل دستمزد تعیین شده دارند یا این که سطوح بالاتر استخدام دولتی ممکن است منجر به رقابت بیشتر در بازار کار در یک منطقه شود و در نتیجه توانایی کارآفرینان را برای راه‌اندازی مؤثر مشاغل جدید کاهش دهد. علاوه بر این، سطوح بالاتر اشتغال دولتی می‌تواند منجر به ازدحام کالاها و خدماتی شود که در غیر این صورت ممکن بود به صورت خصوصی ارائه شده باشند و در نتیجه ایجاد کسب و کار را متوقف کند.

یافته‌های پژوهش قویاً نشان می‌دهد که برای دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه، مؤثرترین مسیر برای تقویت کارآفرینی، نه از طریق سیاست‌های کلان بین‌المللی یا افزایش بی‌هدف مخارج عمومی، بلکه از طریق اصلاحات هدفمند و نهادی در محیط داخلی کسب‌وکار است. تمرکز بر کاهش هزینه‌های ورود، تقویت حقوق مالکیت، و بهبود هدفمند سرمایه انسانی، مهم‌ترین اولویت‌های سیاستی برای ایجاد یک اکوسیستم کارآفرینی پویا

و مولد به شمار می‌روند.

۳-۴. آزمون‌های استحکام و بررسی تصریح الگو

یکی از یافته‌های کلیدی پژوهش، معنادار نبودن تأثیر سیاست‌های دولت در حوزه بین‌الملل (تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی) و همچنین مخارج کل دولت بر کارآفرینی در کشورهای منتخب در حال توسعه بود. این نتیجه، هرچند با برخی مبانی نظری در تضاد به نظر می‌رسد، اما این پرسش را مطرح می‌کند که آیا این یافته یک واقعیت تجربی است یا ناشی از تصریح نادرست الگو. برای پاسخ به این دغدغه، دو آزمون استحکام کلیدی بررسی هم‌خطی چندگانه و کنترل درون‌زایی انجام شده است.

الف) بررسی هم‌خطی چندگانه

اولین احتمال برای معنادار نبودن ضرایب، وجود هم‌خطی چندگانه شدید میان متغیرهای توضیحی است که منجر به افزایش واریانس برآوردگرها و کاهش دقت آن‌ها می‌شود. برای آزمون این موضوع، از آماره عامل تورم واریانس (VIF) استفاده شد. نتایج این آزمون در جدول (۷) ارائه شده است.

قاعده کلی این است که مقادیر VIF بزرگتر از ۱۰ (و در برخی موارد سخت‌گیرانه‌تر، بزرگتر از ۵) نشان‌دهنده وجود هم‌خطی چندگانه مشکل‌ساز است. همانطور که در جدول (۷) مشاهده می‌شود، مقدار VIF برای تمام متغیرهای مستقل به مراتب کمتر از ۵ بوده و میانگین VIF نیز در سطح پایینی قرار دارد. این نتیجه قویاً نشان می‌دهد که مشکل هم‌خطی چندگانه در الگو وجود ندارد و معنادار نبودن ضرایب، ناشی از این پدیده آماری نیست.

جدول (۷). نتایج آزمون عامل تورم واریانس (VIF)

متغیر	VIF
Trade	۲/۸۵
FDI	۱/۹۲

۳/۱۴	GOV
۲/۵۸	Cost edu
۲/۱۱	Tax
۱/۷۶	Cost
۳/۴۵	LF
۳/۹۱	PR
۲/۷۲	میانگین VIF

منبع: یافته‌های پژوهش

ب) کنترل درون‌زایی با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته سیستمی (GMM) دومین و مهم‌ترین چالش در تصریح الگو، مشکل درون‌زایی است. ممکن است بین کارآفرینی و برخی متغیرهای توضیحی یک رابطه دوطرفه وجود داشته باشد (مثلاً افزایش کارآفرینی خود منجر به تقاضا برای تجارت آزاد شود) یا متغیرهای حذف‌شده‌ای وجود داشته باشند که بر هر دو تأثیر بگذارند. برآوردگر اثرات تصادفی (RE) قادر به کنترل این مشکل نیست. برای رفع این نقیصه، الگوی پژوهش با استفاده از برآوردگر گشتاورهای تعمیم‌یافته سیستمی (System GMM) که توسط آرلانو و بوور (۱۹۹۵) و بلاندل و باند (۱۹۹۸) توسعه یافته، مجدداً برآورد شد. این روش با استفاده از وقفه‌های متغیرها به عنوان ابزار، به کنترل مشکل درون‌زایی و تورش متغیر حذف‌شده کمک می‌کند. نتایج در جدول (۸) گزارش شده است.

جدول (۸). نتایج برآورد الگو با روش GMM سیستمی (کارآفرینی متغیر وابسته)

متغیر	ضریب	آماره Z	ارزش احتمال
وقفه کارآفرینی	۰/۶۵	۳/۸۷	۰/۰۰۱
سیاست اقتصادی بین‌الملل			
تجارت	-۰/۰۱۵	-۰/۶۶	۰/۵۱۲
سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	۰/۰۶۸	-۱/۲۰	۰/۲۳۱
سیاست اقتصادی داخلی			
مخارج کل دولت	۰/۱۱۵	-۰/۷۰	۰/۴۸۸
مخارج آموزش	۰/۰۱۱	۲/۹۵	۰/۰۰۳
مالیات	-۰/۰۰۵	-۱/۷۸	۰/۰۷۵

سیاست محیط کسب و کار			
هزینه راه‌اندازی کسب و کار	-۰/۰۳۲	-۲/۷۵	۰/۰۰۶
کارایی بازار کار	-۰/۰۱۲	-۲/۲۶	۰/۰۲۴
حقوق مالکیت	۰/۰۲۷	۲/۸۸	۰/۰۰۴
آزمون‌های تشخیصی			
آزمون خودهمبستگی آرلانو-باند (AR1)	۰/۰۰۲		
آزمون خودهمبستگی آرلانو-باند (AR2)	۰/۲۵۴		
آزمون سارگان (برای اعتبار ابزارها)	۰/۳۱۵		

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج برآورد الگو با روش GMM، یافته‌های اصلی پژوهش را به طور کامل تأیید و تقویت می‌کند. متغیرهای سیاست بین‌الملل (تجارت و FDI) و مخارج کل دولت، همچنان از نظر آماری بی‌معنا هستند. در مقابل، تمام متغیرهای دیگر شامل مخارج آموزش، مالیات، هزینه کسب و کار، کارایی بازار کار و حقوق مالکیت، معناداری و علامت مورد انتظار خود را حفظ کرده‌اند. علاوه‌براین، آزمون‌های تشخیصی صحت الگوی GMM را تأیید می‌کنند. آزمون سارگان، فرضیه صفر مبنی بر اعتبار ابزارهای مورد استفاده را رد نمی‌کند. آزمون خودهمبستگی آرلانو-باند نیز نشان‌دهنده وجود خودهمبستگی مرتبه اول (AR1) و عدم وجود خودهمبستگی مرتبه دوم (AR2) است که با فروض روش GMM کاملاً سازگار است.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

گسترش فعالیت‌های کارآفرینانه برای دستیابی به توسعه اقتصادی به عنوان یکی از الزامات اصلی کشورهای در حال توسعه است و در این زمینه نقش دولت، تبیین سیاست‌های آن و نوع اثرگذاری آنها با پیچیدگی‌های خاصی همراه است. در این راستا مطالعه حاضر با بهره‌گیری از مطالعه نظری آکس و سزرب (۲۰۰۷) و نیز برخی مطالعات تجربی، چندین عامل تعیین‌کننده سیاست دولت موثر بر کارآفرینی را شناسایی کرده و در چارچوب یک الگوی اقتصادسنجی طراحی کرده است. به عبارت دیگر، هدف اصلی این پژوهش بررسی

سیاست‌های چند جانبه دولت شامل سیاست‌های اقتصادی داخلی (مالی و مالیاتی)، سیاست‌های اقتصادی حوزه بین‌الملل و سیاست‌های دولت در حوزه محیط و قوانین کسب و کار بر توسعه کار آفرینی کشورهای در حال توسعه بوده است. برای این منظور روش پانل دیتا با رویکرد اثرات تصادفی طی دوره زمانی سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۲۲ مورد استفاده قرار گرفت. یافته‌های پژوهش بیانگر عدم تأثیر معنادار سیاست‌های حوزه تجارت جهانی و نیز مخارج عمومی دولت با کارآفرینی، تأثیر منفی مالیات بر کارآفرینی و در آخر تأثیر معنادار سیاست‌های دولت در محیط کسب و کار در راستای ارتقا و رشد کارآفرینی بود. با توجه به یافته‌های پژوهش، برخی موارد از طریق اقدامات سیاست‌گذاری عمومی دولت می‌تواند به نفع عملکرد کارآفرینی آشکار شود بر این اساس پیشنهاداتی قابل ارائه است. نخست پیشنهاد می‌شود، سیاست‌های دولت عمده‌تاً باید متمرکز بر تخصیص منابع مالی بیشتر به تحقیقات علم و فناوری و همچنین آموزش کارآفرینی به منظور تحریک نوآوری و خلاقیت از طریق تحقیق و توسعه و همچنین افزایش پیوند بین مؤسسات عالی و بخش خصوصی شود.

علاوه بر این، دولت باید سیاست‌هایی را در پیش گیرد که محیط کسب و کار را مساعدتر می‌کند، در این زمینه اقداماتی نظیر تسهیل در صدور مجوز کسب و کارها و کاهش هزینه‌ها و فرآیند زمانی تشکیل بنگاه‌های جدید مورد توجه قرار گیرد. همچنین توصیه می‌شود دولت شرایطی را فراهم نماید تا کارفرمایان و اتحادیه‌ها کارگری با مذاکره نقش مهمی در تنظیم قرارداد کار ایفا نمایند. ضمن این که دولت‌ها، چارچوب قانونی و نظارتی را از طریق تدوین سیاست‌ها، قوانین، دستورات و تعهدات برای حفظ محیط‌های تجاری سالم ارتقا دهند. همچنین دولت‌ها می‌بایست با کاهش تعیین مقررات تجاری و بازرگانی سختگیرانه، زمان فرآیند سرمایه‌گذاری و همچنین هزینه‌های شروع کسب و کار کارآفرینان را کاهش دهند.

در نهایت لازم است علاوه بر تلاش‌های کمی در زمینه فناوری و فعالیت‌های کارآفرینی

نوآورانه، یک محیط اقتصادی کلان و اجتماعی توانمند برای راه‌اندازی یک کسب و کار موفق فراهم شود به عنوان نمونه دولت می‌تواند با اجرایی کردن برنامه‌های آموزش کارآفرینی ارائه شده توسط دیده‌بان جهانی کارآفرینی نظیر آموزش‌های رسمی، آموزش‌های حین کار و هماهنگی و ارتباط میان بازار کار و نظام آموزشی و تقویت سازمان‌های آموزش فنی و حرفه‌ای مهارت‌های لازم جهت ارتقای نیروی کار را ایجاد نماید و از سویی دیگر با حمایت قانونی از ایده‌های نوآوری از طریق قوانین مالکیت معنوی اختراعات، حق چاپ و حق ثبت علائم تجاری، مردم را برای کارآفرین شدن ترغیب نماید.

تعارض منافع:

تعارض منافع وجود ندارد.

سپاسگزاری:

از دانشگاه گنبد کاووس جهت حمایت، تشکر و قدردانی می‌گردد.

منابع:

- Acemoglu, D., Johnson, S., & Robinson, J. A. (2005). *Institutions as a fundamental cause of long-run growth*. Handbook of economic growth, 1 Edition, 385–472), Amsterdam: Elsevier.
- Acs, Z. J., & Szerb, L. (2007). Entrepreneurship, economic growth and public policy. *Small business economics*, 28, 109-122.
- Acs, Z., Åstebro, T., Audretsch, D., & Robinson, D. T. (2016). Public policy to promote entrepreneurship: a call to arms. *Small business economics*, 47, 35-51.
- Ahmad, N., & Hoffmann, A. (2008). A framework for addressing and measuring entrepreneurship. OECD Statistics Working Paper.
- Ajayi-Nifise, A. O., Tula, S. T., Asuzu, O. F., Mhlongo, N. Z., Olatoye, F. O., & Ibeh, C. V. (2024). The role of government policy in fostering entrepreneurship: a USA and Africa review. *International Journal of Management & Entrepreneurship Research*, 6(2), 352-367.
- Ajide, F. M., Osinubi, T. T., & Dada, J. T. (2021). Economic globalization, entrepreneurship, and inclusive growth in Africa. *Journal of Economic*

Integration, 36(4), 689-717.

- Akinyemi, F. O., & Adejumo, O. O. (2018). Government policies and entrepreneurship phases in emerging economies: Nigeria and South Africa. *Journal of Global Entrepreneurship Research*, 8(1), 35.
- Almeida, R., & Carneiro, P. (2012). Enforcement of labor regulation and informality. *American Economic Journal: Applied Economics*, 4(3), 64-89.
- Aparicio, S., Audretsch, D., & Urbano, D. (2021). Does entrepreneurship matter for inclusive growth? The role of social progress orientation. *Entrepreneurship Research Journal*, 11(4).
- Ashena, M., Vosoughi, S. & Hoshyarmoghadam, E. (2023). The role of macroeconomic factors on the development of entrepreneurship. *Innovation Economic Ecosystem Studies*, 3(4), 37-53 (In Persian).
- Audretsch, D.B. (2007). Entrepreneurship: a survey of the literature for public policy. *International Journal of Entrepreneurship Education*, 5(2), 3-72.
- Audretsch, D.B., Belitski, M., Chowdhury, F., & Desai, S. (2022). Necessity or opportunity? Government size, tax policy, corruption, and implications for entrepreneurship. *Small Business Economics*, 58(4), 2025-2042.
- Bataka, H. (2019). De jure, de facto globalization and economic growth in Sub-Saharan Africa. *Journal of Economic Integration*, 34(1), 133-158.
- Baumol, W.J. (1996). Entrepreneurship: Productive, unproductive, and destructive. *Journal of business venturing*, 11(1), 3-22.
- Blackburn, R.A., & Smallbone, D. (2008). Researching small firms and entrepreneurship in the UK: Developments and distinctiveness. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 32(2), 267-288.
- Bosma, N., Jeroen, C., Sanders, M. & Stam, E. (2018). Institutions, entrepreneurship, and economic growth in Europe. *Small Business Economics*, 51(2) 483-499.
- Bradley, S. W., Kim, P. H., Klein, P. G., McMullen, J. S., & Wennberg, K. (2021). Policy for innovative entrepreneurship: Institutions, interventions, and societal challenges. *Strategic Entrepreneurship Journal*, 15(2), 167-184.
- Bruce, D., Gurley-Calvez, T.J., & Norwood, A. (2020). Taxes and entrepreneurship: A literature review and research agenda. *Foundations and Trends in Entrepreneurship*, 16(5), 393-443.
- Bylund, P. L., & McCaffrey, M. (2017). A theory of entrepreneurship and institutional uncertainty. *Journal of Business Venturing*, 32(5), 461-475.
- Campos, J., Braga, V., & Correia, A. (2018). Public policies for entrepreneurship and internationalization: Is there a government reputation effect? *Journal of Science and Technology Policy Management*, 10(4), 975-995.
- Castaño, M. S., Méndez, M. T., & Galindo, M. Á. (2015). The effect of social, cultural, and economic factors on entrepreneurship. *Journal of business research*, 68(7), 1496-1500.
- Cheratian, I. & Ghorbani, S. (2014). Analysis the Effects of Fiscal and

- Monetary Policies on Entrepreneurship (With Focus on Women). *Journal of Entrepreneurship Development*, 7(4), 773-793 (In Persian).
- Cumming, D., & Li, D. (2013). Public policy, entrepreneurship, and venture capital in the United States. *Journal of Corporate Finance*, 23, 345-367.
 - Daniels, J. D., Radebaugh, L. H., & Sullivan, D. P. (2019). *International business: Environments and operations*. Pearson.
 - Darnihamedani, P., Block, J. H., Hessels, J., & Simonyan, A. (2018). Taxes, start-up costs, and innovative entrepreneurship. *Small Business Economics*, 51, 355-369.
 - Davari, A., Ramezanpor Nargesi, G., Afrasiabi, R. & Davari, E. (2018). Effect of Entrepreneurship and Business Environment Policies on Entrepreneurship Development. *Journal of Entrepreneurship Development*, 11(2), 321-339 (In Persian).
 - De Klerk, S., & Kroon, J. (2008). Business networking relationships for business success. *South African Journal of Business Management*, 39(2), 25-35.
 - Debus, M., Tosun, J., & Maxeiner, M. (2017). Support for policies on entrepreneurship and self-employment among parties and coalition governments. *Politics & policy*, 45(3), 338-371.
 - Desai, S. (2011). Measuring entrepreneurship in developing countries. In *Entrepreneurship and economic development* (pp. 94-107). London: Palgrave Macmillan UK.
 - Dilli, S. (2021). The diversity of labor market institutions and entrepreneurship. *Socio-Economic Review*, 19(2), 511-552.
 - Dragomir, C. C., & Panzaru, S. (2015). The relationship between education and entrepreneurship in EU member states. *Review of General Management*, 22(2), 55-65.
 - Elert, N., Henrekson, M., & Sanders, M. (2019). Entrepreneurship, the rule of law, and protection of property rights. The Entrepreneurial Society: A Reform Strategy for the European Union, 25-33.
 - Galindo-Martín, M. Á., Castaño-Martínez, M. S., & Méndez-Picazo, M. T. (2021). Effects of the pandemic crisis on entrepreneurship and sustainable development. *Journal of Business Research*, 137, 345-353.
 - González-Tejero, C. B., & Molina, C. M. (2022). Training, corporate culture and organizational work models for the development of corporate entrepreneurship in SMEs. *Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy*, 16(1), 168-188.
 - Gorynia, M., Nowak, J., Trąpczyński, P., & Wolniak, R. (2022). Globalization in a COVID-19 afflicted world. In *International Business in Times of Crisis: Tribute Volume to Geoffrey Jones*, 16, 379-395. Emerald Publishing Limited.
 - Henrekson, M., Johansson, D., & Stenkula, M. (2010). Taxation, labor market policy and high-impact entrepreneurship. *Journal of Industry, Competition and Trade*, 10(3), 275-296.

- Isenberg, D. J. (2010). How to start an entrepreneurial revolution. *Harvard business review*, 88(6), 40-50.
- Kashmiri, H. A., & Akhter, R. (2017). Promoting entrepreneurship through government policy. *International Journal of Research in Social Sciences*, 7(12), 631-647.
- Khatkhat, M. S., & Shah, S. Z. A. (2021). Entrepreneurial orientation and the efficiency of SMEs: The role of government financial incentives in an emerging industry. *Journal of Public Affairs*, 21(3), e2242.
- La Porta, R., & Shleifer, A. (2008). *The unofficial economy and economic development* (No. w14520). National Bureau of Economic Research.
- Liargovas, P., Psychalis, M., & Apostolopoulos, N. (2022). Fiscal policy, growth and entrepreneurship in the EMU. *European Politics and Society*, 23(4), 468-489.
- Liguori, E., Bendickson, J., Solomon, S., & McDowell, W. C. (2019). Development of a multi-dimensional measure for assessing entrepreneurial ecosystems. *Entrepreneurship & Regional Development*, 31(1-2), 7-21.
- Lobont, O. R., Nicolescu, A. C., Costea, F., Li, Z. Z., Țăran, A. M., & Davidescu, A. (2022). A panel threshold model to capture the nonlinear nexus between public policy and entrepreneurial activities in EU countries. *Mathematics*, 10(8), 1265.
- Lupova-Henry, E., Blili, S., & Dal Zotto, C. (2021). Clusters as institutional entrepreneurs: Lessons from Russia. *Journal of Innovation and Entrepreneurship*, 10(1), 7.
- Masoudi, S. & Asgari, A. (2024). The effect of macroeconomic variables on entrepreneurship in industry in Iran: TVP-FAVAR approach. *Journal of Entrepreneurship Development*, 17(1), 143-161 (In Persian).
- McCaffrey, M. (2015). Economic policy and entrepreneurship: alertness or judgment?. *The Next Generation of Austrian Economics: Essays in Honor of Joseph T. Salerno, edited by Per Bylund and David Howden (Ludwig von Mises Institute, 2015).*
- McCaffrey, M. (2018). *William Baumol's "Entrepreneurship: Productive, unproductive, and destructive"* (pp. 179-201). Springer International Publishing.
- Mohammadi Khyareh, M., & Rostami, N. (2021). The Impact of Macroeconomic Variables on Entrepreneurship: Generalized Method of Moments (GMM). *Macroeconomics Research Letter*, 15(30), 34-61 (In Persian).
- Murtinu, S. (2021). The government whispering to entrepreneurs: Public venture capital, policy shifts, and firm productivity. *Strategic Entrepreneurship Journal*, 15(2), 279-308.
- Nica, M. (2013). Spending allocation and entrepreneurship. *Journal of International Entrepreneurship*, 11, 351-369.
- Olise, K. K., Aworinde, O. B., & Ajibola, O. (2023). Economic

- globalization, entrepreneurship and inclusive growth in African oil exporting countries. *Journal of Economics and Allied Research*, 8(4), 220-238.
- Olowu, A. U. (2019). *Public policy and entrepreneurship performance: the divide and nexus in West Africa* (Doctoral dissertation, Stellenbosch: Stellenbosch University).
- Oosterbeek, H., Van Praag, M., & Ijsselstein, A. (2010). The impact of entrepreneurship education on entrepreneurship skills and motivation. *European economic review*, 54(3), 442-454.
- Parker, S. C. (2012). Theories of entrepreneurship, innovation and the business cycle. *Journal of Economic Surveys*, 26(3), 377-394.
- Prasannath, V., Adhikari, R. P., Gronum, S., & Miles, M. P. (2024). Impact of government support policies on entrepreneurial orientation and SME performance. *International entrepreneurship and management journal*, 20(3), 1533-1595.
- Raanaei, A. R. , Eslamloueyan, K. , Shahnazi, R. & Owjimehr, S. (2024). The Effects of Monetary and Fiscal Policy on Financial Instability in Iran through Banks' and Entrepreneurs' Leverage Behavior: A DSGE Model. *Journal of Economics and Modelling*, 14(3), 1-53 (In Persian).
- Rao, A., Ali, M., & Smith, J. M. (2024). Foreign direct investment and domestic innovation: Roles of absorptive capacity, quality of regulations and property rights. *PloS One*, 19(3), e0298913.
- Redford, A. (2020). Property rights, entrepreneurship, and economic development. *The Review of Austrian Economics*, 33(1), 139-161.
- Salami, C. G. E., Ekakitie, S. E., & Ebinim, L. O. (2023). Impact of government policy on entrepreneurship growth and development of small-scale business. *Journal of Global Social Sciences*, 4(14), 73-102.
- Samadi, A.H., Mirhashemi, S.M. (2017). Investigating the Effect of Tax Policy on Entrepreneurial Activity: The Case Study of Factor-Driven, Efficiency-Driven and Innovation-Driven Countries. *Journal of Tax Research*, 25(33), 11-31 (In Persian).
- Schulz, M., Urbig, D., & Procher, V. (2016). Hybrid entrepreneurship and public policy: the case of firm entry deregulation. *Journal of Business Venturing*, 31(3), 272-286.
- Slesman, L., Abubakar, Y. A., & Mitra, J. (2021). Foreign direct investment and entrepreneurship: does the role of institutions matter? *International Business Review*, 30(4), 101774.
- Solomon, S., Bendickson, J. S., Liguori, E. W., & Marvel, M. R. (2022). The effects of social spending on entrepreneurship in developed nations. *Small Business Economics*, 58(3), 1595-1607.
- Vatavu, S., Dogaru, M., Moldovan, N. C., & Lobont, O. (2022). The impact of entrepreneurship on economic development through government policies and citizens' attitudes. *Economic research-Ekonomska istraživanja*, 35(1), 1604-1617.

- Wheildon, L. J., True, J., Flynn, A., & Wild, A. (2022). The Batty effect: Victim-survivors and domestic and family violence policy change. *Violence against women*, 28(6-7), 1684-1707.
- Yeboah, S., & Boateng Prempeh, K. (2023). Foreign Investment and Local Enterprise: Navigating the Tightrope of FDI Inflows and Homegrown Entrepreneurship.